

نشریه ادب و زبان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، شماره ۳۰ (پیاپی ۲۷) زمستان ۹۰

سایه روشن آثار و نوشته‌های قاسمی گنابادی* (علمی-پژوهشی)

دکتر زهرا اختیاری
استادیار دانشگاه فردوسی
مشهد

چکیده

از قاسمی حسینی گنابادی (متوفی ۹۸۲ق.)، مثنوی‌های متعددی باقی مانده است که مجموع آنها بالغ بر سی و پنج هزار بیت می‌شود. موضوع سروده‌های شاعر، شامل اشعار حماسی، غنایی، حکمت و موعظه است. شیوایی و رسایی شعر وی و نکته‌پردازی‌ها و ایجاز، وی را بر اقران خویش برتری داده است. مثنوی‌های وی با وجود زیبایی‌های خاص شعری، هنوز چاپ علمی و منقحی نشده و در باره آثار وی، کار علمی و جدی انجام نگرفته است.

در این مقاله، به معرفی آثار قاسمی با استفاده از نو یافته‌هایی که از لابه‌لای آثار او به هنگام تصحیح به دست آمد، پرداخته شده است. نه مثنوی و سه قطعه نثر باقی مانده از او، بررسی و در حد یک مقاله معرفی شده است. از آثار دیگر وی که فقط نامی از آنها باقی مانده هم سخن گفته شده است. وی مثنوی بر وزن شهنشاه‌نامه، برای والی دیار بکر سروده و دیوانی هم داشته است که با تفحصی که در فهرس

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۹/۱۲/۱۴

*تاریخ ارسال مقاله: ۸۹/۱/۲۹

ایمیل: ekhteyari@gmail.com

ایران و هند و اروپا حاصل شد، از اشعار گم شده شاعر نسخه‌ای یافت نشد.

کلیدواژه‌ها: مثنوی‌های قاسمی گنابادی، ویژگی‌ها، نثرها، آثار مفقود شده.

مقدمه

مثنوی‌های متعددی از قاسمی حسینی گنابادی یا جنابادی (وفات ۹۸۲ق.)، شاعر ظریف طبع و پرکار قرن دهم هجری، باقی مانده است. از قاسمی نه مثنوی در دست است. در نسخه‌های موجود، برخی کامل است و از بعضی دیگر، چند صفحه‌ای از بین رفته است. روی هم اشعار موجود وی، بالغ بر سی و پنج هزار بیت است. مثنوی‌های قاسمی که از آنها نسخه‌ای موجود است و در این تحقیق اساس کار قرار گرفته‌اند، عبارتند از: ۱- لیلی و مجنون، ۲- زبده‌الاشعار، ۳- شاه‌اسماعیل‌نامه (شاهنامه ماضی)، ۴- شاه‌طهماسب‌نامه (شاهنامه نواب‌اعلی)، ۵- عمده‌الاشعار، ۶- گوی و چوگان، ۷- خسرو و شیرین، ۸- شاهرخ‌نامه و ۹- لیلی و مجنون (سرایش دوم). از میان این مثنوی‌ها، کتاب لیلی و مجنون دو بار سروده شده است. (این مثنوی‌ها در سه مجموعه آماده نشر است.) علاوه بر منظومه‌ها، یک‌نامه و دو مقدمه منثور هم از قاسمی در دست است.

محمد قاسم مشهور به قاسمی حسینی گنابادی که قاسمی تخلص می‌کرد، در قرن دهم و در روزگار شاه‌اسماعیل (جلوس: ۹۰۷ تا ۹۳۰ق.) و شاه‌طهماسب صفوی (جلوس: ۹۳۰ تا ۹۸۴ق.) زندگی می‌کرد و در دربار آنان، به درخواست شاه‌طهماسب (تولد: ۹۱۹ق.) و برخی دیگر از شاهزادگان صفوی، چندین مثنوی سرود. پس از آن که به قدر زحمت خود از شاه صله دریافت نکرد، به دربار سلطان محمود، والی دیار بکر، رفت و در همان جا نیز به سال ۹۸۲ق. درگذشت (روملو، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۹۶).

قاسمی در روزگار خود از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار بود. سام میرزا صفوی، معاصر شعرشناس شاعر، در باره شعر قاسمی می‌نویسد: میرزا قاسم «از اکثر خوش طبعان ولایت خراسان، به مزید علم و عبادت و فهم و فراست، ممتاز و مستغنی است. در شعر و عروض و معما سرآمد است.» (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۳۹) قاسمی «هر قسم شعر می‌گفته و همه

را خوب می‌گفته، به تخصیص در مثنوی گفتن، فرید زمان و نادره دوران خود گردیده» بود. (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۰) نیز یکی از تذکره‌نویسان هم‌عصر شاعر در مورد مثنوی‌های قاسمی می‌گوید: «کسی در این زمانه، مثنوی را بهتر از او نگفته است». (سام‌میرزا، ۱۳۸۴: ۳۹) خود در وصف شعر و شاعریش می‌گوید:

داند همه کس که لعلِ رخشان، جایش نبود به جز بدخشان

دُر از صدف است و غنچه از خار آن هست ز بحر و این ز گلزار

گر پای برون نهی ز انصاف آن را که بود طبیعتِ صاف،

داند که چو گل ورق کند باز خود وصفِ جمالِ خود کند ساز

(لیلی و مجنون: ۷۴۲)

در تذکره میخانه، در وصف شاعری وی آمده است: «دادِ سخنوری داده، اشعار معاصران خود بر طاق نسیان نهاده» است. (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۶۹)

۱-۲- روش تحقیق

مبنای این تحقیق بر اساس یافته‌هایی است که از درون مثنوی‌های قاسمی و نیز با مراجعه به تذکره‌های نزدیک به عهد شاعر به دست آمده است. از متن‌های منشوری که از شاعر باقی مانده است نیز استفاده شده است. مقدمه‌های منشور، به ترتیب زمان نوشتن آنها، به نام‌های مقدمه منشور اول یا مقدمه شاه/سماعیل‌نامه و مقدمه دوم یا مقدمه زبده‌الاشعار نام نهاده شد. چند سالی است که مشغول تصحیح و مقابله آثار قاسمی هستم و این مقاله، نتیجه تحقیق و تعمق در آثار او است.

نام آثار وی از روی مثنوی‌های شاعر ذکر شده است؛ این بدان دلیل بود که در منابع گوناگون، آثاری را به نام قاسمی نوشته‌اند که از وی نیست یا برخی از آنها قسمتی از یکی از مثنوی‌های اوست، مثل زندگی‌نامه شاه‌عباس (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۲۴) و حکایت عاشق و معشوق (شاعر نامعلوم: تحریر نسخه ۱۲۹۸)، مثنوی بهاریه (طهرانی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۲۹) و ساقی‌نامه (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۸۰-۱۷۳)، که به نام قاسمی آورده‌اند. در این نوشته

علاوه بر معرفی آثار موجود قاسمی، از آثاری هم که در تذکره‌ها به نام او آمده و فعلاً از آنها نسخه‌ای در دست نیست، یاد شده است.

شیوه تحقیق، بر اساس سیر تاریخی سرایش مثنوی‌هاست. در هر مثنوی، تعداد ابیات و سال سرایش نوشته شده، آغاز و انجام مثنوی‌ها چون در دیگر منابع غالباً نادرست نوشته شده، بر اساس نسخه‌های متعددی که از داخل و خارج ایران به دست آمده، ذکر گردیده است. در مثنوی‌هایی که تفاوتی در شیوه عبارت‌پردازی آنها با دیگر مثنوی‌های قاسمی به نظر می‌رسد، به بیان مختصر تفاوت‌ها پرداخته شد اما بررسی سبک‌شناسانه آثار، نیازمند به کار تحقیقی دیگری است که در محدوده این کار نمی‌گنجد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در باره آثار قاسمی گنابادی، علاوه بر اشاراتی که در تذکره‌ها بیان شده و غالباً از حد برشمردن تعدادی از آثار وی نیز فراتر نرفته‌اند، تحقیق جامع و دقیقی انجام نگرفته است. یکی از منابعی که همزمان با روزگار شاعر به تدوین آن همت گماشته شد، تذکره تحفه سامی است. این تذکره را سام میرزا صفوی (۹۲۳-۹۷۵ ق.)، پسر سخن‌شناس شاه اسماعیل اول، نگاشته است (سام میرزا، ۱۳۸۴: شانزده). سام میرزا در مورد آثار قاسمی می‌نویسد: «در مثنوی چهار کتاب نظم کرده است.» (همان: ۳۹) وی نام این چهار اثر، شاهنامه (شهنشاه‌نامه) و لیلی و مجنون و گوی و چوگان و خسرو و شیرین (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۴۱-۳۹) را برمی‌شمارد که تا زمان تألیف تذکره تحفه سامی، سروده شده بود. در دیگر تذکره‌ها، از جمله در هفت آسمان (احمد، ۱۹۶۵: ۱۳۹-۱۳۶)، میخانه (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۳-۱۷۰)، مجمع الخواص (صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۱۴۰)، حسینی (سنهلی: ۲۷۰) و هفت اقلیم (رازی، ۱۳۷۸: ۸۵۲) از آثار او یاد شده است. در عرفات العاشقین (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸، ۵: ۳۰۳۱-۳۰۲۸) پس از تمجید قاسمی، نام برخی از آثار او آمده است. همچنین در منابعی که نسخه‌های خطی خارج از ایران در آنها معرفی شده، مثل فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (منزوی، ۱۳۶۷، ۱۰: ۱۶۸-۱۶۷)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب «گنجینه آذر» (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵: ۲۷۱-۲۷۰) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه انجمن ترقی اردو، دهلی نو (کتابخانه انجمن ترقی اردو، ۱۳۷۷: ۱۳۰-۱۲۹)، نام برخی آثار وی آمده است. در

مجلدات مختلف فهرست نسخه‌های خطی فارسی (منزوی)، ۱۳۴۸ : ۳۸۴۵-۳۱۰۴-۳۰۵۱-۳۰۰۸-۲۹۹۹-۲۹۳۴-۲۸۸۲-۲۸۸۰-۲۸۵۲-۲۷۸۸-۱۸۸۹)، مجلدات مختلف فهرستواره کتاب های فارسی (منزوی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۸) و (همان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۰۷، ۱۰۰۰، ۹۹۸، ۹۹۷، ۹۸۹)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون (مشار، ۱۳۴۲: ۹۰۱)، مجلدات مختلف الذریعه، اثر آقا بزرگ تهرانی و در فهرست استوری (171)، (Story:1970)، نامی از آثار قاسمی آمده و در کتاب فرهنگ ادبیات فارسی (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۱۱۴) به بعضی از مثنوی‌های وی اشاره شده است.

دکتر صفا بر اساس نوشته‌های تحفه سامی و نفایس المآثر، نام مثنوی‌های او را برمی‌شمارد (صفا، ۱۳۶۳، ۵/۲: ۷۱۹-۲۰). در کتاب حماسه‌سرایی در ایران، ضمن پرداختن به حماسه‌های قاسمی، به اشتباه بیت اول شاه‌اسماعیل‌نامه به جای آخرین بیت شاه‌رخ‌نامه نوشته شده است (صفا، ۱۳۶۹: ۳۶۴). مقاله‌ای در مجله وحید (سلماسی‌زاده، ۱۳۴۹: ۱۵۱۹-۱۵۲۳) در مورد شاهنامه قاسمی نوشته شده است و در کتاب ماه ادبیات نیز به بحث از «شاهنامه نواب عالی و قاسمی گنابادی» (دروودگریان، اردیبهشت ۱۳۸۸: ۷۴-۸۳) پرداخته‌اند. تنها مثنوی چاپ شده از قاسمی، دفتر اول شاهنامه است. از نخستین چاپ آن که در هند انجام شد، بیش از یک قرن می‌گذرد. (قاسم جنابدی: ۱۸۷۰) چاپ دوم آن، تصحیحی غیرعلمی است و حتی با دو تا از نسخه‌های آستان قدس به شماره‌های ۸۳۸۳ و ۴۹۸۵ مقایسه نشده است تا حد اقل جای کلمه‌های خالی مانده، بر اساس این نسخه‌ها کامل شود (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۴)؛ چه رسد به مراجعه به نسخه‌های دیگر، از جمله نسخه فرانسه. خلاصه با وجود تحقیقاتی که در مورد قاسمی انجام شده، هیچ کدام از منابع ذکر شده، کامل و بدون اشتباه نیست و آثار قاسمی نیازمند تحقیقی کامل و همه جانبه است.

۲- معرفی آثار منظوم قاسمی

از قاسمی، آثار متعددی در دست است. علاوه بر مثنوی‌های موجود او، آن گونه که تذکره‌نویسان نوشته‌اند، اشعار دیگری هم داشته است که در جای خود، به بحث در مورد آنها خواهیم پرداخت.

آثار قاسمی در تذکره هفت آسمان - تنها منبعی که مورد استناد نویسندگان بعدی بود. - بر اساس نامه‌ای که برای صاحب «نفایس المآثر»، میرزا علاءالدوله قزوینی کامی،

نوشته، به این شرح است: «شاهنامه ماضی که چهار هزار و پانصد بیت است و شاهنامه نواب اعلی که آن نیز همین قدر است و شاهرخنامه که پنج هزار بیت است و لیلی و مجنون که سه هزار بیت است و خسرو و شیرین که آن نیز سه هزار بیت است. «زبدۃ الاشعار» که چهار هزار و پانصد بیت است، به بحر مخزن الاسرار؛ و گوی و چوگان که دو هزار و پانصد بیت است.» (احمد، ۱۸۷۳ق: ۱۳۷)

در این جا مثنوی‌های قاسمی را به ترتیبی که خود شاعر در مقدمه مثنوی که در آغاز **زبدۃ الاشعار**، آخرین مثنوی موجود وی، آنها را نام برده است (مقدمه زبدۃ الاشعار: ۵۳۴)، بر می‌شماریم:^۱

۱-۲- **شاهنامه ماضی (شاه اسماعیل نامه)**: تعداد ابیات آن حدود ۴۳۰۰ بیت و تاریخ اتمام سرایش آن، سال ۹۴۰ق. است. این منظومه حماسی را به درخواست و نام شاه طهماسب صفوی سرود: حسب الامر «شاه طهماسب حسینی صفوی، شهنشاهنامه نظم کرده است.» (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۰) شاعر بر چهار هزار بیت، مقداری افزوده است:

بود عقد این گوهر آبدار ز روی عدد چهار باره هزار

از آن جا که دریای فیض عطاست، بر آن اندکی گر فزودم رواست

(شاه اسماعیل نامه: ۳۳۹)

موضوع آن در باره شاه اسماعیل صفوی و وصف لشکرکشی‌ها، کشورگشایی‌ها و دلاوری‌های اوست. گرچه وقایع در شعر، مقداری با اصل تاریخی جنگ‌ها تفاوت دارد. قبل از قاسمی، چند شاعر دیگر (از جمله هاتفی و ریاضی زاوه) مأمور سرودن **شاه اسماعیل نامه** شده بودند اما همان گونه که قاسمی می‌گوید، هر کدام حدود هزار تا سه هزار بیت سرودند و روی در نقاب خاک کشیدند. به قاسمی هر چه پیشنهاد کردند که **شاهنامه شاه اسماعیل** را بسراید، وی به تحصیل علم مشغول بود تا این که «به حکم المأمور معذور، به آن امر عظیم‌الشأن» مشغول شد و بعد از آن، **شاهنامه نواب عالی** را سرود. (مقدمه مثنور اول: ۲۵۱)

آغاز شاه اسماعیل نامه:

خداوند بی چون خدایی تو راست بر اقلیم جان پادشایی تو راست

آخر شاه اسماعیل:

مکن در سخن بیش از این اهتمام سخن بر همین ختم کن والسلام

به دو شاهنامه او **شهنشاهنامه** هم گفته می‌شود و شاهنامه شاه طهماسب را در حکم جلد دوم شاهنامه دانسته‌اند.

چو در نامه کردم علم خامه را رقم بر دو دفتر زدم نامه را

پس از مدتی کاخترم داد کام، یکی ز آن دوصیدم در آمدبه دام

(شاه اسماعیل نامه: ۳۳۹)

وی در منظومه‌های بعدی، از شاهنامه نام برده است: در گوی و چوگان (۳۴۷ و ۳۷۸)، خسرو و شیرین (۷۳)، عمده‌الاشعار (۷۳) و لیلی و مجنون (۷۴۲). (مقدمه زبده‌الاشعار: ۵۳۴)

۲-۲- شاهنامه نواب اعلی (شاه طهماسب نامه): حدود ۵۰۰۰ بیت است و به سال ۹۵۰ق. آن را به نام شاه طهماسب اول صفوی سرود. موضوع آن، زندگی و جنگ‌های شاه طهماسب است.

وی دو شاهنامه خود را شاهنامه حقیقی می‌خواند و این دو شاهنامه را برتر از شاهنامه فردوسی می‌داند زیرا در این دو شاهنامه، به وصف کسانی پرداخته است که به عظمت‌های اسلام توجه داشته‌اند؛ «فردوسی وار در آن دو شاهنامه حقیقی، پایه شعر را به شعرا رسانیده» است. (مقدمه منثور دوم: ۵۳۴)

قاسمی همزمان با شاه عباس نبوده و برای او حماسه‌ای نسوده است، آن گونه که شبلی نعمانی می‌نویسد: «قاسمی گنابادی، سرگذشت شاه عباس صفوی را به نظم در آورد.» (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۲۴).

آغاز شاهنامه نواب اعلی:

جهان داورا کبریایی تو راست خدایی تو را پادشاهی تو راست

آخر شاهنامه نواب‌اعلی:

چو یعقوب چشمم که بی‌نور ماند ز دیدار یوسف‌وشی دور ماند
عفی‌الله در این عالم پرهوس کدام است یوسف؟ جوانی و بس

۲-۳- **لیلی و مجنون** (اول): را بعد از شاهنامه، در ۳۰۰۰ بیت به نام شاه طهماسب سرود. پس از سکوتی که به دنبال سرایش دو شاهنامه برای شاعر پیش آمد، قاسمی سه منظومه عاشقانه و بزمی لیلی و مجنون، گوی و چوگان و خسرو و شیرین را سرود. پس از مدتی دست به قلم نبردن، «داستان کشورانگیز محبت آمیز لیلی و مجنون آغاز کردم؛ نظمی خجسته و لایق چون داستان *عندرا و وامق* موافق.» (مقدمهٔ منشور اول: ۲۵۲) و چنان که خود می‌گوید: «بعد از آن [دو شاهنامه]، میوه‌ای که از شاخ امید حاصل شد، کتاب لیلی و مجنون بود که عشاق با نوا را از مطالعهٔ آن شوق و نیازی تازه و خوبان آفاق را عشوه و نازی بی‌اندازه حاصل شد.» (مقدمهٔ منشور دوم: ۵۳۴).

مثنوی لیلی و مجنون را دو بار سروده است؛ بار اول به سال ۹۴۷ق. از سرایش اول، نسخه‌ای قدیمی اما ناقص و مغشوش در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۲-۴- **گوی و چوگان**: که نام دیگر آن **کارنامه** است، ۱۵۰۰ بیت دارد. شاعر این مثنوی را به دستور شاه طهماسب و در مدت دو هفته سرود: «بعد از آن [شهنشاهنامه]، به طریق گوی و چوگان، بیتی چند گفته، آن کتاب را **کارنامه** نام نهادم.» (مقدمهٔ منشور اول: ۲۵۲) وی مدت سرایش و تعداد ابیات آن را ذکر می‌کند:

این نامه که از زبان خامه کردم لقبش به **کارنامه**
چون ماه دو هفته‌اش در ایام در عرض **دو هفته** دادم اتمام
این عقد گهر که شد سرآمد باشد عددش **هزار و پانصد**

(گوی و چوگان: ۳۸۳)

و تاریخ اتمام آن را در پایان مثنوی، «ظلّ ابدی» (۹۴۷) آورده است:

تاریخ تمام این معانی **ظل ابدی** است گر بدانی

(گوی و چوگان: ۳۸۳)

موضوع این کتاب، داستان گوی و چوگان بازی شاه و شاهزادگان است. (گوی و چوگان: ۳۵۵) دکتر غلام سرور نوشته است که این مثنوی، داستان گوی و چوگان بازی شاه اسماعیل است. (سرور، ۱۳۷۴: ۱۴۲) در متن منظومه بارها به حضور شاه طهماسب و برادران تصریح شده است. به نظر می‌رسد شاهی که بازی می‌کند، طهماسب است (گوی و چوگان: ۳۵۵) زیرا بعد از مدح شاه طهماسب، بلافاصله به گوی و چوگان بازی او می‌پردازد (گوی و چوگان: ۳۵۴). نامی هم از شاه اسماعیل در این کتاب نیامده و حتی اگر بازی در آخرین سال حیات شاه اسماعیل (وفات ۹۳۰) اتفاق افتاده باشد، بسیاری از بازیگران در این زمان، سنی حدود شش تا هفت سال دارند. سال تولد پسران شاه اسماعیل که در این بازی شرکت دارند، از جمله القاص در ۹۲۲، سام در ۹۲۳، رستم و بهرام در سال ۹۲۳ ق. اتفاق افتاده است (همان: ۱۴۲). جز طهماسب (متولد ذی‌حجه ۹۱۸) که بعد از درگذشت شاه اسماعیل، «در ده و نیم سالگی» جانشین پدر شد (سیوری، ۱۳۸۰: ۸۳)، بقیه خردسال‌اند. بازیگران در این چوگان بازی عبارتند از: شاه، القاص، سام میرزا، بهرام، ابراهیم، طالش، یگانه، یورقلی، سلطان‌قلی، کرم‌بیگ، مقصود، عبدالله و مظفر.

این کتاب با حمد و ثنای خدا آغاز می‌شود. دو تحمیدیه دارد. آن‌گاه در وصف طبیعت، در توصیف شب و گل‌ها که آفریده‌های الهی‌اند، ابیاتی سروده است. در مدح شاه طهماسب و در تعریف و مفاخره از شعرش نیز ابیات زیبایی دارد. (گوی و چوگان: ۶-۳۵۵) پس از آن، به وصف بازیگران روی می‌آورد. غالباً در توصیف روی و موی و خال و رنگ لباس بازیگر و وصف اسب او قلم می‌راند و پس از آن، به توصیف بازی آنان با شاه می‌پردازد. (همان: ۳۵۹) در بیان خزان و زمستان توصیف‌هایی دارد. قسمتی از منظومه به شکار شاه و بازگشت به تبریز و منزل کردن در هشت بهشت اختصاص دارد. (همان: ۳۷۶-۳۷۵)

آغاز گوی و چوگان:

این نامه که هست حسبِ حالی طغراش به نام ذوالجلالی

آخر گوی و چوگان:

یارب شرفش بود زیادت ختم آخر کار بر سعادت

در پایان مثنوی اشاره دارد به آثاری که قبل از گوی و چوگان پدید آورده:

روزی که مرا ز خارِ خامه، سر زد گلِ نظم شاهنامه

این گلشنِ دلکشایِ اخضر گردید ز بوی گل معطر

آن گاه دلم به صد تسلی آراست مه جمال لیلی

(گوی و چوگان: ۳۷۸)

نام گوی و چوگان یا کارنامه، در آثاری که شاعر بعد از آن سروده، آمده است: در خود گوی و چوگان (۵۳۴)، خسرو و شیرین (۷۳)، عمده‌الاشعار (۷۳) و مقدمه زبده‌الاشعار (۵۳۵).

۲-۵- خسرو و شیرین: در حدود ۳۰۰۰ بیت است و به سال ۹۵۰ق، شاعر آن را به درخواست سام میرزا صفوی، برادر شعرشناس طهماسب، سرود. «و بعد از آن [گوی و چوگان]، خسرو و شیرین را به توفیق الهی انجام دادم» (مقدمه منشور اول: ۲۵۲) شاعر تعداد ابیات و سال سرایش آن را این گونه ذکر می‌کند:

گهرهایم که زاد از بحر توفیق چو سر سه بار آمد هزار از روی تحقیق
زد از قلم این فیض جان‌بخش که چون آب حیات آمد روان‌بخش
ز غیب آمد حدیثی بر زبان‌ها که شد تاریخ سالش فیض جان‌ها

(خسرو و شیرین: ۱۹۶)

این اثر، بیان داستان مشهور خسرو و شیرین است که ظاهراً در آن، شاعر به شیرین و خسرو امیر خسرو هم نظر داشته است.

دلم از بحرِ خسرو قطره‌ای جُست وز آن دست از زلالِ زندگی سُست

(خسرو و شیرین: ۱۹۰)

در پایان داستان به آن دلیل که به داستان خسرو، شاه ساسانی، پرداخته، از ساحت پیامبر اکرم^(ص) عذر خواهی کرده و دلیل آوردن نام خسرو را آن می‌داند که خسرو بر شیرین دلبنده، عاشق بود و آوردن قصه او به خاطر شیرین است. خداوند از فرعون هم در قرآن نام برده و زلیخا با این که کافر بود، به واسطه یوسف^(ع) داستانش در قرآن آمده است. (همان: ۱۷۷)

برشمردن آثار قبل از خسرو و شیرین:

من آن روزی که از امدادِ خامه	جهان آراستم از شاهنامه،
گهرهای سخن ایشار کردم	کنارت پُر دُرِ شهوار کردم،
چو گفتم قصه لیلی و مجنون	جهانی ساختم پر دُرِ مکنون...
پس آن گه کرده تیز، الماسِ خامه	گهرها سُفتم اندر کارنامه
کنون کلکم خیالی دارد از نو	که گوید قصه شیرین و خسرو

(خسرو و شیرین: ۴۴)

مطلع مثنوی خسرو و شیرین در کتاب‌های مختلف، نادرست معرفی شده است. از جمله در تصحیح جدید شاه/سماعیل نامه (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۴) و منظومه‌های فارسی آغاز مثنوی، این گونه نوشته شده است:

سخن پرداز این افسانه نو چنین زد داستان در پیش خسرو

(خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۴۷۵)

در واقع، بیتی را که در اواسط این منظومه آمده است، مطلع آن به حساب آورده‌اند. اشتباه به وجود آمده شاید به آن سبب باشد که نسخه کاملی از این کتاب در ایران نیست و آغاز همه نسخه‌های ایران افتادگی دارد. تنها نسخه کامل آن که به دست ما رسید، نسخه کتابخانه ملی فرانسه است که این گونه آغاز می‌شود:

الهی قاسمی را دیده و ساز به روی گل رخانش کن نظر باز

آخر خسرو و شیرین:

به حق مصطفی و شیر یزدان که قولش بر سعادت ختم گردان

نام مثنوی خسرو و شیرین در شاه اسماعیل نامه (شاه اسماعیل نامه: ۳۳۹) که ده سال قبل از آن سروده و در آثاری که بعد از آن سروده است و در متن خسرو و شیرین (۷۴)، عمدتاً اشعار (۷۴) و مقدمه زبده اشعار: (۵۳۵) آمده است.

۲-۶- شاهرخ نامه: منظومه‌ای حماسی- تاریخی، در حدود ۵۰۰۰ بیت است، در تاریخ پادشاهی و جنگ‌های شاهرخ (و. ۷۷۹- ف. ۸۵۰ ق/ ۱۴۴۷ م.)، پسر تیمور، که به درخواست شاه طهماسب، به سال ۹۵۰ ق. آن را به شعر درآورد. این منظومه را قاسمی، حدود صد سال بعد از وفات شاهرخ سرود.

تاریخ سرایش شاهرخ نامه:

بین در سوادم ز نیک اختری طلب سال تاریخش از مشتری

(شاهرخ نامه: ۲۶۰)

در نسخه‌ای که از شاهرخ نامه تصحیح شد، قاسمی تخلص خود را کم به کار برده و نام آثار خود را هم ذکر نکرده است و این کار، بر خلاف شیوه مرسوم اوست. دیگر این که در این مثنوی، به فردوسی و دون همتی او به واسطه طمعی که به صله محمود داشت، تعریضی دارد:

ز شهنامه فردوسی سحر سنج که بگشاد بر خلق درهای گنج

ز دون همتی خاطر پر هوس بلایی که دید از طمع دید و بس

(شاهرخ نامه: ۱۵۵)

آغاز شاهرخ نامه:

الهی به حق پادشاهی تراست همه بنده ایم و خدایی تراست

آخر شاهرخ نامه:

ز صبح سعادت زیادت بود سرانجام کارش سعادت بود

(همان: ۲۶۱)

نام شاهرخ‌نامه در مثنوی‌ها و آثاری که بعد از آن پدید آورده، یعنی در *عمده‌الاشعار* (۷۴)، *زبدة‌الاشعار* (۵۶۰) و *مقدمه زبدة‌الاشعار* (۵۳۵) آمده است.

۲-۷- *عمده‌الاشعار* (عاشق و معشوق^۴): تعداد ابیات آن ۴۰۰۰ بیت و تاریخ سرودنش سال ۹۶۵ق. است:

ز تاریخش نی کلکم چو دم زد زلال ساقی کوثر رقم زد

(عمده‌الاشعار: ۳۰)

قاسمی در *مقدمه زبدة‌الاشعار*، در مورد این کتاب می‌نویسد: «در حرم معظم، کتابی بنیاد کرد، در صفت کعبه و مدینه و بعضی احوال دیگر که مناسب بود و آن کتاب، چهار هزار بیت بلکه بیشتر است و آن را *عمده‌الاشعار* نام نهادم.» (زبدة‌الاشعار: ۵۳۵) این مثنوی در بیان سفر مکه و مدینه و مسائل دیگری است. در حمد خدا و ستایش پیامبر و معراج‌نامه، وصف کعبه و زمزم و مدینه و بیان مسیر سفر زیارتی از مکه به مدینه و بغداد و زیارت امام موسی کاظم^(ع) و نجف و کربلا و آن‌گاه، زیارت حضرت رضا^(ع) است. در چند بخش، مدح طهماسب آمده است. گله از روزگار و بینوایی و گله از ممدوح و توبه از مدح لثیمان و همچنین وصف باغ و طبیعت، فرازهای بعدی مثنوی را تشکیل می‌دهد. آن‌گاه در نسخه‌ای که به دست ما رسیده، حکایت عاشق و معشوق آمده است. عاشق در این منظومه، پسر شاه خراسان و معشوق، دختر وزیر اوست. پس از این حکایت، به مدح شاه طهماسب و مدح چند تن از شاهزادگان صفوی، از جمله ابراهیم میرزا جاهی، می‌پردازد. نکاتی در این منظومه قابل توجه است؛ از جمله این که به جاودانگی عمر حضرت مهدی اشاره دارد (ص ۲۲۶) و از درازی عمر خود سخن به میان آورده است (۲۳۶).

در تذکره هفت آسمان، پس از نقل نامه قاسمی و برشمردن مثنوی‌های او، از *عمده‌الاشعار* نامی به میان نیامده و به جای آن، *عاشق و معشوق* را ذکر کرده است. (احمد، ۱۸۷۳.هـ. / ۱۹۶۵.م. : ۱۳۸) مرحوم گلچین معانی هم به این نکته اشاره کرده است (گلچین

معانی، ۱۳۴۶، ج ۷: ۷۰۷) و به نظر می‌رسد که عاشق و معشوق، همان عمده‌الاشعار باشد. چون در آثاری که از قاسمی در دست است، از عاشق و معشوق به عنوان یک اثر مستقل نامی دیده نشد، شاید بتوان گفت که عاشق و معشوق، نام دیگر عمده‌الاشعار است. ساختار منظومه هم این نظر را تأیید می‌کند. مقدمه‌هایی که در دیگر آثار قاسمی هست، در حکایت عاشق و معشوق نیست اما در آغاز و انجام عمده‌الاشعار، این ساختار رعایت شده است.

از ویژگی‌های کار قاسمی در مثنوی عمده‌الاشعار، این است که در داخل قالب مثنوی، گاهی غزل هم می‌آورد؛ نظیر این ابیات که به صورت **غزل در مثنوی** آمده است:

تعالی الله به وصف لعل دلبر ز نوک خامه ام زد این غزل سر

زهی وصلت حیات جاودانی لب لعلت زلال زندگانی

اگر چشمت کند خون آشکارا لب جان بخشد از لطف نهانی ...

زنی بر رشته جان و دلم تاب چو مو بر آتش شوقم نشانی

چو طوطی آوری دل را به گفتار به تلخی جانم از شکر ستانی

(عمده‌الاشعار: ۱۷۶)

نام مثنوی‌هایی را که قبل از عمده‌الاشعار سروده، در این کتاب آورده است: *شهنامه*، *لیلی و مجنون* در عمده‌الاشعار (۷۳) و *گوی و چوگان*، *خسرو و شیرین*، *شهرخ نامه* هم در همان کتاب (۷۴) ذکر شده است.

آغاز مثنوی عمده‌الاشعار:

الهی قاسمی را راه بنمای زبانش را به بسم الله بگشای

(عمده‌الاشعار: ۲۵۰)

پایان مثنوی عمده‌الاشعار:

همین‌بس که در آغاز و انجام نبردم دیگری را غیر حق نام

الهی قاسمی را راه بنمای زبانش را به بسم‌الله بگشای

نام این اثر در مقدمهٔ منشور *زبدۃ‌الاشعار* (۵۳۵) آمده است.

۲-۸- *لیلی و مجنون* (دوم): این منظومه در سرایش دوم، حدود ۲۵۴۰ بیت دارد. مثنوی است روان، همراه با ترکیبات و اصطلاحات زیبا و دلکش. مطالب آن از هماهنگی خاصی برخوردار است. در بیان داستان لیلی، دختر سعد، و مجنون عامری که در قرن اول هجری اتفاق افتاده است. تاریخ و تعداد ابیات آن را می‌نویسد:

عقد گهرم که گشت حاصل باشد دو هزاروپانصد و چل...

تاریخ‌وی از ره معانی، نظم ازلی^۵ ست گر بدانی

(لیلی و مجنون: ۷۳۳)

وی این مثنوی را در عرض سه ماه سرود. (لیلی و مجنون: ۷۳۴)

این نامهٔ دلکشِ نکونام در عرض سه ماه یافت اتمام

(لیلی و مجنون: ۷۴۴)

قاسمی *لیلی و مجنون* را دو بار سروده است. بار اول به نام شاه‌طهماسب در سال ۹۴۷، بعد از سرودن دو *شاهنامه*. (گلچین معانی: ۱۳۴۶، ج ۷: ۷۱۱) بار دوم، آن را به سال ۹۷۸، به نام ابراهیم میرزا جاهی صفوی به شعر درآورد. سرایش دوم را چشم دوم آن نامید: «کتاب اول حکم یک چشم داشت و کسی که یک چشم دارد، خالی از عیبی نیست و یک چشم دیگر پیدا شد که در خوبی آن، هیچ سخن نباشد.» (مقدمهٔ *زبدۃ‌الاشعار*: ۵۳۵) بعد از سرایش دوم *لیلی و مجنون*، نسخهٔ اول را منسوخ خوانده است:

این نامه به سانِ وحی منزل شد ناسخ نسخه‌های اول

(لیلی و مجنون: ۷۳۳)

در مقدمهٔ منشور اول اذعان می‌کند که پس از فراغت از سرودن دو *شاهنامه*، مدتی قلم را کنار گذاشت: یک چند «قلم دو زبان را، شکسته، از همزبانی او باز رسته بودم.» (مقدمهٔ

منثور اول: ۲۵۲) و آن گاه به سرودن لیلی و مجنون پرداخت. آن گونه که خود نوشته است، وی به تقاضای شاهزاده ابوالفتح ابراهیم میرزای جاهلی صفوی، برادرزاده پادشاه صاحب قران، کتاب لیلی و مجنون را دیگر گفت. «مقدمه زبده الاشعار: ۵۳۵) در لیلی و مجنون قاسمی، کلیات داستان همان چیزی است که در ادب فارسی به نام لیلی و مجنون مشهور بوده است. قاسمی داستان را نسبت به نظامی، کوتاه و دلکش سروده است و در جزئیات داستان با دیگران تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله به وساطت مادر لیلی، مجنون بر بستر لیلی حاضر می‌شود و دو دل‌داده با هم جان می‌سپارند. (لیلی و مجنون: ۷۳۲) (اختلاف‌ها در مقاله‌ای دیگر بررسی شد).

آغاز لیلی و مجنون:

ای نامه ز نام تو مُسَجَّلِ مجنون ره تو عقلِ اوّل

پایان لیلی و مجنون:

خواهم که عنایتِ الهی دارد نگهم ز روسیاهی،

زین نامه کند سفیدرویم در حشر برآرد آرزویم

در اولین مثنوی، شاعر امیدوار است که مخزن الاسرار و مطلع انوار و لیلی و مجنون و خسرو شیرینی بسراید:

حکایت ز لیلی و مجنون کنم جهانی پر از دُرّ مکنون کنم

ز شیرین و خسرو کنم نکته ساز در گنج معنی در آفاق یاز

(شاه اسماعیل نامه: ۳۳۹)

تشبیهات حرفی در تمام مثنوی‌های قاسمی دیده می‌شود؛ از جمله در لیلی و مجنون، حلقه زلف به جیم، دهان به نقطه (لیلی و مجنون: ۶۷۹)، قد به الف، چشم به عین و دیده به صاد (لیلی و مجنون: ۶۸۲) تشبیه شده است. لیلی و مجنون تنها مثنوی‌ای است که نام آن در مثنوی‌های هشت گانه قاسمی آمده است: شاه اسماعیل نامه (۳۳۹)، شاه طهماسب نامه

(۳۹۹)، لیلی و مجنون (۷۴۲)، گوی و چوگان (۳۴۷)، خسرو و شیرین (۴۳)،
عمده‌الاشعار (۷۳)، زبده‌الاشعار (۵۹۹) و مقدمه زبده‌الاشعار (۵۳۵).

۲-۹- زبده‌الاشعار: که آن را جواب مخزن الاسرار هم نامیده و در ۴۴۰۰ بیت، به
سال ۹۷۶ق و به نام ابراهیم میرزا صفوی سروده است.^۴ تعداد ابیات و تاریخ سرایش آن را
قاسمی آورده است:

جمله گهرهاش ز روی عدد چار هزار آمده و
چار صد...

ظلّ الهی که بود بی‌زوال شامل حال شد و تاریخ سال

(زبده‌الاشعار: ۶۶۱)

در زبده‌الاشعار به جمشید و خورشید اثر سلمان ساوجی (۷۰۹-۷۷۸ق.) هم نظر داشته
است. «در این کتاب گاه گاهی بیتی چند مناسب از بحری دیگر، بنا بر حکم بعضی اکابر
آورده‌ام، به طریق جمشید و خورشید که سلمان گفته است.» (مقدمه زبده‌الاشعار: ۵۳۵)
گاه در بحری دیگر، شعر می‌سراید:

جُسته دلم گوهر بحری دگر به که به بحری دگر آرام گذر

خداوندا ز سحرم چاره پرداز در اعجاز کن بر روی من باز

(زبده‌الاشعار: ۵۳۹)

این منظومه را بعد از سرایش دوم لیلی و مجنون سرود: «القصة، به توفیق الهی، بعد از
آن [سرایش دوم لیلی و مجنون] مشغول شدم به جواب مخزن الاسرار و آن را نیز اتمام
داد.» (مقدمه زبده‌الاشعار: ۵۳۵)

شاعر در این مثنوی به بیان مباحث اخلاقی، اجتماعی و دینی پرداخته است. در این
کتاب، در آغاز اشعاری در حمد خدا و ستایش پیامبر^(ص) و صفت معراج و نعت حضرت
علی^(ع) و چهارده معصوم^(ع) و در ستایش حضرت رضا^(ع) به طور مجزا سروده است و از
این که از درگاه حضرت رضا^(ع) دور بوده، عذر خواهی کرده است. سپس، در مدح

حسین و عمویش، شاه طهماسب، در حالی که از دربار آنان خود را دور می‌خواند، سخن رانده است. در مدح یک صدر که اهل منبر و ارشاد و بانفوذ است و حج گزارده، ایاتی سروده و از او می‌خواهد که شاه را بر آن دارد که بر ناتوانان و بینوایان عطا کند و بر قاسمی نیز هم. آن گاه تفاخر به شعرش و برشمردن آثارش و دو نام بر زبده‌الاشعار گذاردن. قبل از پرداختن به چگونگی سرایش زبده‌الاشعار در راه حج، چند فراز در مورد مضامینی از جمله توجه به محرومان، شب زنده داری، نماز، عبادت و اطاعت خدا، جهاد و مبارزه با ظلم و ستم، صرف مال در راه خدا و از جمله حج آورده و گفته است که آرزو دارد دو باره هم به حجاز رود.

وی در این منظومه، لحنی دلسوزانه و هدایتگرانه دارد و از رنج‌ها و بینوایی‌های خود و جامعه می‌گوید. نقاب از روی فریبکاران و تزویرگران برمی‌دارد. حمله به زاهدان ریایی که از مختصات سبک عراقی است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۰)، در این مثنوی بیش از دیگر آثار اوست. او خود از بنگ و باده به دور بود و دیگران را هم بر حذر می‌داشت؛ از جمله خطاب به باده نوش می‌گوید:

رو نظری کن که می‌خوشگوار نشئه دهد اول و آخر خمار

رنج خمارت گُشد انجام کار باده شود در بدنت زهرِ مار

(زبده‌الاشعار: ۶۴۵)

نکته‌ای که در این اثر جالب توجه است، استفاده مکرر وی از لفظ «به» در معنای «بهرتر، بهتر است»:

یعنی از این جمع، جهان پاک به هر که نه او پاک بود، خاک به

(زبده‌الاشعار: ۶۱۴)

چون مگست شهد زهر کس هوس زهر خوری به که خوری شهد کس

(زبده‌الاشعار: ۶۴۵)

همچنین با کلمه «صفت» ترکیب‌سازی کرده است؛ مانند:

هر که نه با فیض، از او دور باش شمع صفت در هوس نور باش

گنج صفت جای به ویرانه کن چشم صفت ترک ز هم خانه کن

(زبدة الاشعار: ۶۸۰)

زبان قاسمی در آثارش، معمولاً روان و بی‌پیرایه است و کلمه‌ها و ترکیب‌های عربی را کم به کار می‌برد اما در مثنوی *زبدة الاشعار*، از ترکیب‌ها و اصطلاحات و عبارات‌های قرآنی فراوان بهره برده است، به گونه‌ای که از این جهت با دیگر آثار او تفاوت دارد اما وجهه همت او، آرایش سخن و ترکیب سازی نبوده است:

ورد زبان تو «کلوا واشربوا» بی‌خبر از حکم «ولأُتسرفوا»

(زبدة الاشعار: ۶۴۵)

همچنین در این مثنوی نمونه‌های جالبی از استفاده از تشبیهات حروفی دیده می‌شود که در قرن نهم و دهم و در آن روزگار، خود نکته و مسئله‌ای بوده است.^۷ با این که نامی از حافظ نمی‌برد اما به شعر او التفات دارد تا حدی که مصراع‌ی از حافظ را تضمین کرده است (زبدة الاشعار: ۶۴۲). کتاب در اولین مصراع با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده و با همان نام مبارک پایان پذیرفته است. آغاز *زبدة الاشعار*:

بسم الله الرحمن الرحيم جبل متین است و ره مستقیم

پایان *زبدة الاشعار*:

به که بود ورد زبانم مقیم بسم الله الرحمن الرحيم

نام آثار قبلی در این کتاب آمده است: *دو شاهنامه، دو لیلی و مجنون، گوی و چوگان، خسرو و شیرین، شاهرخ‌نامه، عمدة الاشعار* در مقدمه *زبدة الاشعار* (۵۳۴-۵۳۵) و نام کتاب هم در خود آن آمده است (زبدة الاشعار: ۵۶۰).

۳- کلیاتی در مورد آثار قاسمی

۳-۱- قاسمی از نظیره پردازان برجسته ادب فارسی است. وی به تأسی از فردوسی، نظامی، امیر خسرو، جامی و استادش، هاتفی، نظیره‌هایی سروده است. به عقیده دکتر صفا «در سخن قاسمی، تأثیر مستقیم پیروان نظامی در سده نهم، به ویژه جامی و هاتفی آشکار است.» (صفا، ۲، ۱۳۶۴/۵: ۷۲۴) وی بیشتر این مثنوی‌ها را در نظیره‌گویی بر شاعران پیش از خود سروده گرچه مکرر اذعان دارد که از خرمن کسی خوشه نچیده است. برخی از مثنوی‌ها مثل گوی و چوگان را بدون تقلید از کسی سروده است.

قاسمی در سه مثنوی حماسی مشهور، در حدود چهارده هزار بیت، زندگی شاه اسماعیل مؤسس سلسله صفوی و پسر او شاه طهماسب و امیر خوش‌نام تیموری، شاهرخ، را سروده است. در روزگار او، شاعرانی مثل هاتفی و ریاضی‌زاده، به سرودن این حماسه‌ها مأمور شده بودند اما هر کدام، قبل از به پایان بردن کار، از دنیا رفتند و قرعه به نام قاسمی افتاد و او، این مهم را به انجام رساند. مثنوی‌های او علاوه بر موضوع‌های حماسی، در بردارنده مضمون‌های حکمی و اخلاقی و عاشقانه است.

۳-۲- ویژگی‌های کلی مثنوی‌ها

خصوصیاتی که روی هم رفته در همه مثنوی‌های وی وجود دارد، به این شرح است:

- در آغاز همه منظومه‌ها، غیر از گوی و چوگان، معراج‌نامه‌ای با توصیفات زیبا از آسمان و افلاک و صورت‌های فلکی، همراه با شرح معراج نبی اکرم وجود دارد.
- در آغاز همه مثنوی‌ها، در مدح و ثنای پرودگار ابیاتی دارد؛ همان گونه که دکتر صفا می‌نویسد: «از اختصاص‌های مثنوی‌هایش، آوردن ابیات بسیار در توحید و ستایش پیامبر و صفت معراج است.» (صفا، ۲، ۱۳۶۴/۵: ۷۲۴)
- در ابتدای هر مثنوی، پس از حمد خدا و ستایش پیامبر عظیم‌القدر اسلام، در وصف و مدح حضرت علی^(ع) ابیات شیوایی سروده است. غالباً مفهوم این ابیات از احادیث منقول از پیامبر گرامی اسلام که در شأن حضرت علی^(ع) فرموده اند، مایه می‌گیرد.
- نکته دیگر این است که در تمام آثارش، تخلص شعری خود، «قاسمی»، را علاوه بر آخر مثنوی، در فرازهای مختلف منظومه هم می‌آورد.

- روش در خور توجهی دیگری که در تمامی آثارش، جز نسخه‌هایی از شاهرخ نامه که ما داریم- وجود دارد، این است که به خلق هر اثری که می‌پردازد، نام آثار قبلی‌اش را که تا آن زمان سروده است، به ترتیب تاریخ سرایش ذکر می‌کند و به معرفی مختصر آن آثار می‌پردازد. این امر موجب می‌شود که در انتساب و عدم نسبت اثری به وی، شک و تردیدی پیش نیاید.

- در هر مثنوی هم تعداد ابیات آن مثنوی، تاریخ اتمام آن، علت سرودن و تخلص شعری و اتهاف آن را به طور واضح بیان می‌کند.

- در هر مثنوی در تفاخر به شعر و هنر شاعری خود، به شیوه شاعران روزگار خویش ابیاتی سروده است.

- در تمام مثنوی‌ها، بدون در نظر گرفتن موضوع آن، به بیان پند و اندرز و بی‌اعتباری دنیا می‌پردازد.

- در آثار عاشقانه شاعر، به خصوص در مثنوی‌های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین، از لحاظ وصف بیان حالات عاشقانه، یک نوع باورداشت در بیان شاعر دیده می‌شود و خواننده تصور می‌کند که قاسمی خود عاشقی سوخته است.

- گرچه اشعار او نسبت به معاصران وی از برتری قابل‌تحسینی برخوردار است، در منظومه‌هایی که به صورت نظیره‌پردازی سروده است، از شاعر یا شاعرانی که به سبک آنان توجه داشته است، مکرر نامی ذکر می‌کند و غالباً شعر خود را برتری می‌دهد.

- سلاست و روانی و استفاده از لغت‌ها و کلمه‌های سلیس فارسی و دوری از مغلط‌گویی، از ویژگی‌های سبک آثار قاسمی است؛ برای نمونه، چند بیتی که خود در باره شعر خویش می‌گوید، نقل می‌شود:

مرا زاغ مشکین ز منقار تیز چو بر کار گردیده شن‌گرف‌ریز

ورق‌های نظم ز گل برده گوی چو اوراق گل درهم آورد روی

نی کلکم از نغمه دلنواز گرفته است راه عراق و حجاز

قلم در کف از فکر چابک‌روی برافراختم رایت خسروی

(شاهرخ‌نامه: ۲۵۷)

۳-۳- محتوا و مضمون آثار شاعر

مثنوی‌های وی دربرگیرنده مضمون‌ها و موضوع‌های گوناگونی است؛ از قبیل: تاریخ و حماسه، داستان‌های غنایی و عاشقانه، بیان معراج پیامبر^(ص) و مسائل اجتماعی و اخلاقی و انتقاد از اوضاع زمانه. ابیات بسیاری در توحید و ستایش خداوند و مدح و ثنا و معراج پیامبر^(ص) و منقبت علی^(ع) و خاندان نبوت سروده است.

۴- آثار مثنوی قاسمی

از قاسمی، یک نام (احمد، ۱۹۶۵م: ۱۳۷) و دو مقدمه مثنوی هم باقی مانده است. مقدمه اولی، در آغاز شاه/سماعیل‌نامه قرار گرفته است و در نسخه شماره ۸۳۸۳ که در آستان قدس نگهداری می‌شود، صفحات ۲۵۱ تا ۲۵۲ را در بر می‌گیرد. از آغاز مقدمه اول، صفحه یا صفحه‌هایی افتاده است. مقدمه دوم، در ابتدای زبدة‌الشعار و به عنوان مقدمه این کتاب، در صفحات ۵۳۴ تا ۵۳۵ نسخه مذکور قرار دارد. موضوع این نثرها در معرفی کوتاه آثار و چگونگی سرایش آنهاست.

در نثر به شیوه سعدی، عبارات آهنگین و گاه مسجع آورده است. در عین حال، نثر وی پخته و سلیس است و از معلق‌گویی و کلمات دور از ذهن به دور؛ برای مثال، «از آنجا که مذاق سخن‌وری در سرشتم بود... گاهی از نوک خامه‌ام، چون برگ گلی از خار، نظمی سر می‌زد و از دریای خاطر، گوهری بیرون می‌آمد.»^۱ (مقدمه مثنوی اول: ۲۵۱) تاریخ نگارش مقدمه دوم را سال ۹۷۶ نوشته است (زبدة‌الشعار: ۵۳۵).

۵- مثنوی بهاریه و ساقی‌نامه

۵-۱- آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعة الی التصانیف الشیعه، از مثنوی ای به نام مثنوی بهاریه از قاسمی گنابادی نام برده است (طهرانی، بی تا، ج ۱۹: ۱۲۹). در تذکرها و هم در آثار موجود قاسمی، نامی از چنین کتابی دیده نشد. چون قاسمی در وصف طبیعت ید طولایی دارد، به نظر می‌رسد که یکی از وصف‌های او در مثنوی‌هایش به این نام خوانده شده باشد.

۵-۲- در تذکره‌ها از ساقی‌نامه قاسمی نام برده‌اند. عبدالنّبی فخرالزمانی بر آن است که تمام منظومه‌های قاسمی را خوانده و دو ساقی‌نامه استخراج کرده است (فخرالزمانی، ۱۸۰: ۱۳۶۳-۱۷۳). در واقع، قاسمی علاوه بر این دو ساقی‌نامه که در دفتر اول شاهنامه (شاه اسماعیل) آمده، ساقی‌نامه‌های دیگری هم دارد؛ یکی در جلد دوم شاهنامه (شاه طهماسب‌نامه)، ساقی‌نامه دیگری در شاهرخ‌نامه (شاهرخ‌نامه: ۱۶۱ تا ۱۴۳) و دو ساقی‌نامه هم در زبده‌الاشعار (زبده‌الاشعار: ساقی‌نامه اول: ۶۴۱-۶۴۰ و ساقی‌نامه دوم: ۶۵۲-۶۵۱) دارد. بر خلاف آنچه از او نوشته‌اند که دو ساقی‌نامه دارد، در اصل شش ساقی‌نامه در لابه‌لای آثار او دیده می‌شود اما اینها آثار مستقلی نیستند و نام ساقی‌نامه به عنوان یک اثر، در لابه‌لای آثار قاسمی دیده نمی‌شود.

۶- آثار قاسمی که مفقود شده و از آنها نسخه‌ای در دست نیست:

۶-۱- دیوان قاسمی: در منابع تاریخی از دیوان قاسمی هم یاد کرده‌اند و ابیاتی از دیوان وی نقل شده است. تذکره‌نویس و تاریخ‌نگاری چون عبدالنّبی فخرالزمانی (۹۹۸-۱۰۴۱ق.) می‌نویسد: «سوی این کتابها، اشعار متفرقه از قصیده و غزل بسیار دارد که آنها همه مطلوب و مرغوب اهل دانش گردیده است.» (فخرالزمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۳) در خلاصه‌الاشعار، غزلیات و رباعیاتی از قاسمی نقل شده است از جمله:

گفتی به من ای سیمبرِ حور لقا کز راه وفا سوی تو آیم فردا

فردا ترسم که مانعی پیش آید امروز که هیچ مانعی نیست بیا

(خلاصه‌الاشعار: ۱۸۰)

سام میرزا در تذکره تحفه سامی، درباره قاسمی می‌نویسد: «اشعار خوب بسیار است و زیاده از این، موجب اطناب می‌شود. همو نیز یک رباعی از قاسمی نقل می‌کند:

در عشق تو گرچنین حزین خواهم بود رسوای زمانه بعد از این خواهم بود

دلدار اگر تویی، چنان خواهم شد دلداده اگر منم، چنین خواهم بود

(همان)

۶-۲- حماسه‌ای در شرح فتوحات سلطان محمد، والی دیار بکر، سروده است. سعید نفیسی نوشته است: «به همان وزن [شاه/سماعیل‌نامه] در شرح فتوحات سلطان محمود، والی دیار بکر از طوایف گرد، سروده است. (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۱۰)؛ (صفا، ۱۳۶۴، ۵/۲: ۷۲۴)

اما در بین فهرست‌های نسخه‌های خطی، تا جایی که بنده اطلاع دارد، نسخه‌ای از دیوان و دیگر اشعار قاسمی یافت نشد. دو جلد نسخه عکسی هم که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نام دیوان قاسمی گنابادی موجود است، با تطبیقی که انجام شد، همان کلیات قاسم انوار است که به تصحیح سعید نفیسی در سال ۱۳۳۷ چاپ شده است. دو نسخه از دیوان که نام قاسمی در آن بود، به لطف و همت دکتر خواجه‌پیری از هند دریافت شد که به دلایل متعدد، از جمله مقایسه مشخصات سبکی اشعار، از قاسمی گنابادی نیست.

با توجه به اولین مثنوی قاسمی که در سال ۹۴۰ سروده است و آخرین مثنوی، یعنی زبده‌الاشعار که آن را به سال ۹۷۶ سرود و با استناد به نوشته تذکره‌نویس‌ها که بعد از زبده‌الاشعار در مدح والی دیار بکر، کتابی به سان شاهنامه‌اش نگاشته است، وی تا آخرین سال‌های حیات خود، یعنی بیش از چهل سال از عمر خود، مشغول شعر سرودن بود.

نتیجه

در این مقاله به معرفی و بررسی آثار قاسمی حسینی گنابادی پرداخته شده و برخی ویژگی‌های مهم سبکی بعضی از منظومه‌ها نیز که در حجم مقاله می‌گنجید، به اختصار آمده است.

منابعی که به طور جسته و گریخته در مورد برخی آثار قاسمی مطالبی نوشته‌اند، ناقص و توأم با اشتباه است؛ برای مثال آغازین بیت شاه/سماعیل‌نامه، به عنوان آخرین بیت شاه‌مرخ نامه آمده است و کتاب‌هایی که در مورد مثنوی خسرو و شیرین و آغازین بیت این منظومه مطالبی نوشته‌اند، اولین بیت را به اشتباه معرفی نموده‌اند و بیتی را که در وسط منظومه آمده است، به عنوان اولین بیت به حساب آورده‌اند که با استفاده از نسخه فرانسه، این نادرستی برطرف شد.

آثاری به اشتباه به نام قاسمی مشهور شده است که یا از وی نیست و یا قسمتی از یک اثر اوست که به مناسبتی، توسط دیگران برجسته و جدا شده است و بعد، توسط دیگران به عنوان اثری خاص قلمداد گردیده است؛ مثل مثنوی بهاریه و مدح شاه عباس و دو ساقی نامه که قاسمی، مثنوی مستقلی به این نام ندارد و ساقی نامه‌های او هم بیش از چهار عدد است نه دو تا. این مقاله تنها منبعی است که آثار قاسمی به دقت و درستی و به طور کامل، در آن معرفی شده است. یک تاریخ ادبیات نویس یا هر محقق دیگری که بخواهد در باره قاسمی تحقیقی انجام دهد، از مراجعه به این مقاله ناگزیر خواهد بود.

یادداشت‌ها

۱- این ترتیب سرایش کتاب‌ها را در منظومه خسرو و شیرین هم ذکر کرده است.

(خسرو و شیرین: ۴۴)

۲- اساس کار و ارجاع‌های ما در این تحقیق، نسخه خطی مجموعه **مثنوی‌های**

قاسمی گنابادی، به شماره ۸۳۸۳، واقع در کتابخانه آستان قدس رضوی است. این مجموعه در زمان زندگی شاعر تحریر شده است و به ترتیب، شامل مثنوی‌های عمده اشعار، شاهنامه ماضی، گوی و چوگان، شاهنامه نواب عالی، زبده اشعار و لیلی و مجنون است. کاتب این نسخه، حافظ محمد بن قاسم علی است. تحریر آن از سال ۹۸۰ تا رمضان ۹۸۲ به طول انجامیده است. «کاغذ نخودی، جلد چرمی نارنجی، عمده اشعار ۱۵ اس ۱۲ و بقیه مثنویات ۱۹ س چهار ستونی ۱۴/۵، ۱۱، ۳۵۶ گ ۲۲/۵، وقف سردار کل یار محمد افشار.» (گلچین، ۱۳۴۶: ۷۱۳) چون صفحات این نسخه‌ها شماره گذاری شده، به همان شماره‌ها ارجاع داده شد. اساس کار در **خسرو و شیرین**، نسخه فرانسه بوده است. در مثنوی شاهرخ نامه به نسخه شماره ۳۳۹ OI موزه بریتانیا، معرفی شده توسط ریو (ریو، ۱۹۶۶، ج ۲: ۶۶۰) ارجاع داده شد.

۳- در این مثنوی، علت رواج شعر خود را به سبب ارادت به ساحت حضرت و علی^(ع)

و آل آن حضرت می‌داند:

شعرم که چنین کمال دارد از مدح علی و آل دارد...

(گوی و چوگان: ۳-۳۸۲)

۴- نسخه شماره ۴۳۱۴ آستان قدس، به نام «عاشق و معشوق» و ناظم آن غیر معلوم است که احتمال داده‌اند از قاسمی است اما از وی نیست، چون به استحکام شعر قاسمی نیست و سبک و سیاق اشعار این منظومه، به کلی با سبک آثار قاسمی متفاوت است. احتمالاً از امیر حسن دهلوی است.

۵- در نسخه اساس (آستان قدس رضوی)، در زیر «نظم ازلی» به خط دیگری چنین نوشته اند: «ظل ازلی صحیح». همچنین استاد مرحوم گلچین معانی، در زیر نویس بر این بیت در تذکره میخانه نوشته‌اند: «نظم ازلی برابر است با ۱۰۳۸ و این از صواب به دور است. به نظر بنده، به قرینه ماده تاریخ کارنامه که چنین گفته است: تاریخ تمام این معانی، **نظم ازلی** است تا بدانی، ۹۴۷؛ این یک نیز باید **ظل ازلی** باشد و بدون شک بیت متن تحریف شده است.» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱۷۱) با این که «ظل ازلی» نادرست است، در «ظل ازلی» هم حدود یک سال اختلاف پیش می‌آید زیرا که «ظل ازلی» مساوی با سال ۹۷۸ است. با توجه به مقدمه *مثنوی زبده/لاشعار* که آن را در سال ۹۷۶ به هنگام سرایش *زبده/لاشعار* بر آن نوشته است، در این مقدمه نام و دلیل سرایش دوباره *لیلی* و *معجون* آمده است. به نظر بنده، سال سرایش *لیلی* و *معجون* باید یا همان سال ۹۷۶ باشد یا سال قبل، یعنی بعد از سرایش *عمده/لاشعار* زیرا *عمده/لاشعار* به سال ۹۶۵ سروده شده است. قاسمی در مقدمه *مثنوی* که در آغاز *زبده/لاشعار* آمده است، ترتیب زمانی سرایش *لیلی* و *معجون* دوم را بعد از *عمده/لاشعار* و قبل از *زبده/لاشعار* می‌نویسد. (*زبده/لاشعار*: ۵۳۵)

۶- شبلی نعمانی هم این مثنوی را جزو شعرها و مثنوی‌های اخلاقی برشمرده است. (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۶۴)

۷- برای مثال در توضیح حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌نویسد:
نقطه که از «بی» بودش فتح باب آمده خال لب ام‌الکتاب
طرفه حصاری است کلام خدای کنگره‌اش از «سین» سعادت فزای
«میم» پس از «سین» که به دست آمده ماهی شیم است و به شست آمده
«ها»ش که از حلقه چشم آگه است هاله نمایی است و بیاضش مه است

داده در این بحر جواهر فشان «نون» وی از کشتی و دریا نشان ...

(زبد‌الاشعار: ۵۳۶)

۸- این مقدمه را بعد از سرودن شاه‌اسماعیل‌نامه، شاه طهماسب‌نامه، لیلی و مجنون و گوی و چوگان بر شاه‌اسماعیل نوشته است. (مقدمه: ۲۵۱-۲۵۲ و در نسخه بعد از عمدتاً اشعار و قبل از شاه‌اسماعیل آمده است.)

بنا به یادداشت مؤلف مقاله «سایه‌روشن آثار و نوشته‌های قاسمی - گنابادی» مستخرج از طرح پژوهشی انجام شده در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

Archive of SID

فهرست منابع

- ۱- آغا احمد علی احمد. (۱۹۶۵م). **هفت آسمان**. تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی.
- ۲- آقابزرگ الطهرانی. (۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م). **الذریعة الی تصانیف الشیعة، الجزء التاسع عشر**. المجاهدات نقحه و زاد فيه ابن المؤلف احمد المنزوی. الطهران: کتابخانه اسلامیة.
- ۳- ابن یوسف شیرازی. (۱۳۱۸-۱۳۲۰). **فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی**. ج ۳. تهران: نشر کتابخانه مجلس.
- ۴- امین احمد رازی. (۱۳۷۸). **تذکره هفت اقلیم** (ج ۲) تصحیح و تعلیقات و حواشی. سید محمدرضا طاهری. تهران: سروش.
- ۵- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۸). **عرفات العاشقین**. ج ۵. مقدمه تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- ۶- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۸۵). **هفت اورنگ**. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: اهورا.
- ۷- خزانه دارلو، محمدعلی. (۱۳۷۵). **منظومه های فارسی**. تهران: روزنه.
- ۸- درودگریان، فرهاد. (۱۳۸۸). «شاهنامه نواب عالی و قاسمی گنابادی». کتاب ماه ادبیات. سال دوم، شماره ۲۵ (پیاپی ۱۳۹). تهران: اردیبهشت.
- ۹- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). **احسن التواریخ**. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.
- ۱۰- سام میرزا صفوی. (۱۳۸۴). **تذکره تحفه سامی**. تصحیح و مقدمه از رکن الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.

- ۱۱- سرور، غلام. (۱۳۷۴). **تاریخ شاه اسماعیل**. ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- سلماسی زاده، جواد. (۱۳۴۹). «**شاهنامه قاسمی یا شاه اسماعیل نامه**». تهران: وحید.
- ۱۳- سنبهلی، میرحسین دوست. (۱۲۹۲ق). **تذکره حسینی**، لکهنو: منشی نولکشور.
- ۱۴- سیوری، راجر مروین. (۱۳۸۰). **در باب صفویان**. ترجمه رمضان علی روح الهی. تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- شبلی نعمانی. (۱۳۶۳). **تاریخ شعر و ادبیات ایران**. تهران: دنیای کتاب.
- ۱۶- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). **فرهنگ ادبیات فارسی**. ویراستار محمدرضا جعفری. تهران: فرهنگ نشر نو- انتشارات معین.
- ۱۷- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). **سبک شناسی شعر**. تهران: فردوس.
- ۱۸- صادقی کتابدار. (۱۳۲۷ش). **مجمع الخواص**. (به زبان جغتایی). ترجمه عبدالرسول خیامپور. تبریز: اختر شمال.
- ۱۹- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۴). **ادبیات ایران در دوره صفویان**. پژوهش دانشگاه کمبریج. ترجمه دکتر یعقوب آژند، تاریخ ایران (دوره صفویان). تهران: جامی.
- ۲۰- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: فردوسی.
- ۲۱- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). **حماسه سرایی در ایران**. تهران: امیرکبیر.
- ۲۲- عباسی لوشاهی، سیدخضر. (۱۴۰۶ق. / ۱۳۶۵خ. / ۱۹۸۶م). **فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب «گنجینه آذر»**. اسلام آباد، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۲۳- فخرالزمانی، عبدالنبی. (۱۳۶۳). **تذکره میخانه**. مصحح احمد گلچین معانی. چ چهارم. تهران: اقبال.
- ۲۴- قاسمی حسینی گنابادی، میرزا محمدقاسم (د. ۹۸۲). **خسرو و شیرین**. کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۹۵، [نسخه خطی]، تألیف ۹۵۰ق.
- ۲۵- قاسم جنابدی. (۱۸۷۰م). **شاهنامه**. هند. بی نا.

- ۲۶- قاسمی حسینی گنابادی. (۱۳۸۷). **شاه اسماعیل نامه**، مقدمه. تصحیح و تحشیه جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۷- _____، _____: (د. ۹۸۲). **زبدۀ الاشعار**. کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]، تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۲-۹۸۰ ق.
- ۲۸- _____، _____: (د. ۹۸۲). **شاه اسماعیل نامه**. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۸۳۸۳. [نسخه خطی]. تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۲ ق.
- ۲۹- _____، _____: **شاهرخ نامه**. نسخه موزه بریتانیا به شماره Or ۳۳۹ [نسخه خطی].
- ۳۰- _____، _____: (د. ۹۸۲). **شاههما سب نامه (شاهنامه نواب عالی)**. کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]، تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۲-۹۸۰ ق.
- ۳۱- _____، _____: (د. ۹۸۲). **عمدة الاشعار**. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]. تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت صفر ۹۸۰ ق.
- ۳۲- _____، _____: (د. ۹۸۲). **گوی و چوگان**. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]. تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۲ ق.
- ۳۳- _____، _____: (د. ۹۸۲). **لیلی و مجنون**. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]. تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۱ ق.
- ۳۴- _____، _____: (د. ۹۸۲). **مثنویات قاسمی**. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]. تألیف ۹۴۰ ق. تاریخ کتابت ۹۸۲-۹۸۰ ق.
- ۳۵- کاشی، تقی الدین. (۱۳۸۴). **خلاصه الاشعار**. تصحیح محمد حسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.
- ۳۶- کتابخانه انجمن ترقی اردو- دهلی نو. (۱۳۷۷ ش. / ۱۹۹۹ م). **فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه انجمن ترقی اردو- دهلی نو**. دهلی نو: رایزنی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات فارسی.
- ۳۷- گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۶). **فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی**. (ج ۷). مشهد: کتابخانه آستان قدس.

- ۳۸- مشار، خان‌بابا. (۱۳۴۲). مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون. (ج ۴). عبدالؤمن قیم علی. تهران: چاپخانه رنگین.
- ۳۹- منزوی، احمد. (۱۳۶۷ خ / ۱۴۰۸ ه / ۱۹۸۸ م). فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. (ج ۱۰). اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.
- ۴۰- منزوی، احمد. (۱۳۴۸-۱۳۵۱). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. ج ۱ تا ۶. تهران: مؤسسه منطقه‌ای.
- ۴۱- منزوی، احمد. (۱۳۸۱). فهرستواره کتاب‌های فارسی. (ج ۱ و ۲). تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۴۲- ناظم نامعلوم. حکایت عاشق و معشوق. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۴۳۱۴. [نسخه خطی]. تاریخ کتابت ۱۳۹۸ ق.
- ۴۳- نظامی گنجوی. (۱۳۶۹). لیلی و مجنون، به تصحیح دکتر برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۴- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی. ج ۲. انتشارات فروغی.

45- A. Story: Persian Literature to Bibliographical, volume 1, part 1, published by: The Royal society of Great Britain and Ireland and sold its Agents, London 1970

46 - Rieu Charles Catalogue the Persian manuscripts the British museum volume II published by the trustees of the British museum 1966.